

## گلوله‌های شخصیت موجه ملی به شیخ

انتظار درگیری با این شخصیت موجه ملی را نداشت و اصلاً گمان نمی‌کرد علیه‌اش اسلحه بکشد...



انتظار درگیری با این شخصیت موجه ملی را نداشت و اصلاً گمان نمی‌کرد علیه‌اش اسلحه بکشد اما اسماعیل قزاق، گماشته او در کمال ناپاوری بعد از شناسایی مخفیگاهش با دستور کلنل روس، کار را تمام می‌کند و شیخ با شلیک چند گلوله به شهادت رسید.

به گزارش ایسنا، ۲۱ شهریور صد و یکمین سالگرد شهادت شیخ محمد خیابانی تبریزی در سال ۱۲۹۹ است. همان شیخی که شوهر عمه آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی است.

چهار سال بعد از شهادت ستارخان و باقرخان سرداران ملی تبریزی و ۱۳ سال بعد از کشته شدن میرزا ابراهیم آقا تبریزی، نماینده تبریز در دور اول مجلس شورای ملی به جرم ایستادن در برابر ظلم و ستم حکومت احمدشاه قاجار و اعتراض به استیلای پادشاهی بریتانیا بر چاه‌های نفت و گاز ایران، با شلیک چند گلوله به شهادت رسید.

### نطق‌های آگاهی بخش شیخ

او در مقاله‌ای که در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۲۹۹ در روزنامه تجدد چاپ کرد، نوشت: «تا وقتی که آذربایجان زنده است و آزادی خواهان او زنده هستند قانون اساسی بی حمایت و بی دفاع نخواهد ماند. دست به قانون اساسی ما زنید! این است بعد از این ندایی که از آفاق آذربایجان بلند شده لرزه بر اندام متجاسرین خواهد انداخت. آزادی خواهان آذربایجان قیام کرده اند تا این هرج و مرج طاقت فرسا را خاتمه دهند، فراموشکاران را با صدای زنده باد قانون اساسی بیدار و متنبه سازند و برای اینکه در آتیه چنان توطئه دیگری برضد قانون اساسی در کله‌های ماجراجو پخته نشود، تدابیر احتیاطیه کافی را اتخاذ می‌نماید.»

شیخ هشدار داد: «ما می‌خواستیم دزدهای بدوی و راهزنان وحشی از حریم مملکت تطهیر و ازاله شوند. ما می‌خواستیم اصول استبداد، غارت و چپاول از ایران طرد و تبعید و الی‌الابد شود. ما می‌خواستیم جان و مال دموکراسی ایران تحت امان باشد و از دستبرد عناصر ضاره و عوامل طفیلی محفوظ بماند. حالا میبینیم نه اینکه فقط هیچیک از این آمال از قوه به فعل نیامده و یک صورت واقعیت نگرفته است ولی ضمناً و ضمیمه‌اً آزادی، آزادی فکر، آزادی وجدان، مصونیت شخصی یکی بعد از دیگری دچار تعارضات یک مشت غارتگر و وحشی اجتماعی و سیاسی شد.»

او ادامه داد: «۱۴ سال قبل از این، ایرانیان قیام نمودند، خواستند عناصر طفیلی و فئودال‌ها و بورژواها، همان عوامل هرج و مرج و استبداد را از میان خودشان اخراج کنند و یک قانون اساسی برای تنظیم حیات اجتماعی خودشان تأسیس و وضع کردند. شعار آزادی، استقلال و مساوات را اتخاذ نموده در این راه فداکاری به خرج دادند. برای اصلاح امور و تنسيق حیات خودشان از داخله و خارجه استمداد جستند.»

خیابانی تأکید کرد: «نه، هرگز. این توطئه‌های خائنه بر ضد قانون اساسی، به کمترین موفقیت نایل نخواهند شد. تا وقتی که آذربایجان زنده است و آزادی خواهان او زنده هستند قانون اساسی بی حمایت و بی دفاع نخواهد ماند. دست به قانون اساسی ما زنید! این است بعد از این ندایی که از آفاق آذربایجان بلند شده لرزه بر اندام متجاسرین خواهد انداخت. آزادی خواهان آذربایجان قیام کرده اند تا این هرج و مرج طاقت فرسا را خاتمه دهند، فراموشکاران را با صدای زنده باد قانون اساسی بیدار و متنبه سازند و برای اینکه در آتیه چنان توطئه دیگری برضد قانون اساسی در کله‌های ماجراجو پخته نشود، تدابیر احتیاطیه کافی را اتخاذ می‌نماید. فعلاً اسم روز آزادیخواهان آذربایجانی تامين آتیه است و بس.»

او همچنین در نطق دوم اردیبهشت ۱۲۹۹ در مجلس شورای ملی، گفت: «قیام تبریز برای تأسیس یک حکومت دموکراتیک است که در حدود قوانین مملکتی از قوه به فعل آوردن آن ممکن خواهد شد. مخالفت ورزیدن با این قیام اعلان خصومت با یک نهضتی است که به شکل یک پروتست و اعتراض شدید بر ضد یک سلسله عملیات ارتجاعی به عمل آمده است.»

شیخ خیابانی در مقاله دیگری تحت عنوان «چه باید کرد» که در روزنامه تجدد در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۹ چاپ شد، نوشت: «از آن دقیقه که تکیه گاه خونخواران از پا درافتاد و بنیان استبداد روسیه منهزم شد، بالطبع جنبش و حرکتی در عالم آزادی نمایان شد، روح مشترک رابط قلوب تمام احرار دنیاست، از جور اهریمن بیداد خلاص شده و در قلمرو خود به تحریک و تشویق تعلق یافتگان خویش بود، این بود که از هر جای دنیا زمزمه‌های گوناگون خواسته و صداهاى چرا و چون پا به عرصه انتشار نهاد. هر قومی پی علاج درد خود دويدن گرفت و هر حزبی در تعقیب آمال خود سمند همت را به جولان درآورد، ایرانیان هم به مناسبت مجاورت با روسیه آزاد شده نمی‌توانستند از انقلاب یک همچو مملکت بزرگ همسایه متأثر نشوند! کم‌کم قلوب افسرده را انبساطی حاصل شده و مهر خاموشی از لبها برداشته می‌شود، مصائب چندین ساله ایام فترت تذکار و از ترمیم خرابی‌های گذشته سخن رانده می‌شود.»

وی ادامه داد: «اولیای امور باید بدانند که ایرانیان به بهای خون جوانان رعناى خود حقوق مقدسه آزادی و حاکمیت ملیه خود را از دولت مستبده گرفته و تغییرات اساسی آنچه که لازم بوده داده است. هیأت دولتی که حالا زمام امور را به دست گرفته اند دست نشاندۀ خود ملت می‌باشند و در هر اقدامی مسئول جامعه ملیه هستند. منتها مداخلات غیر مشروع حکومت جابرۀ مستبده

روس سعی و کوشش دولت مردان را در راه اصلاح، عقیم و بی نتیجه می گذاشت و بعضی دون فطرتان از رجال ایران هم دخالت اجانب را بهانه قرار داده، خبث باطنی خودشان را به خرج می دادند. اینک که این محذور و بهانه از میان رفت وقت آن رسیده است که اصول و قوانین اساسی را از زوایای نسیان بیرون آورده از گرد و غبار بی اعتنائی که بر رویش نشانده ایم تکان دهیم و مخصوصاً اصل هفتم آن را که می گوید اساس مشروطیت جزاً و کلاً تعطیل بردار نیست را به آواز رسا به گوش اولیای امور برسانیم و با کمال دقت مراقب حرکات خود باشیم.»

شیخ خیابانی متذکر شد: «وظیفه ما فقط و فقط تقاضای اجرای اصول مشروطیت است که به قیمت جانها خریده ایم و کسی هم قولاً به مقام انکار نیامده و در محافظت فعلی هم مداخلات اجانب دخیل می شد، حالا موانع رفع شده است. مدتی لازم است تا زمامداران امور با فراغت خاطر قادر به ایفای وظیفه باشند و امیدواریم اولیای امور هم ملتفت تکالیف خود بوده بی آنکه ملت به مقام ادعا و مطالبه برآید شروع به اصلاحات اساسی و احیای قوانین نموده و حیثیت مقام ملیت و قومیت افکار عامه را کماهی منظور خواهند فرمود.»

### علنی شدن قیام

زمانی هم که شیخ محمد خیابانی قیام خود را علنی کرد، مهمترین خواسته های قیام کنندگان همان آرمان ها و اهداف مشروطه خواهان به این شرح بود: «آزادی خواهان شهر تبریز به واسطه تمایلات ارتجاعی که در یک سلسله از اقدامات ضد مشروطیت حکومت محلی تجلی می نمود و در مرکز ایالت آذربایجان با یک طرز اندیشه قطعیت گرفته بود به هیجان آمده با قصد اعتراض و پروتست شدید و متین قیام نموده اند. آزادیخواهان تبریز اعلام می کنند که تمامت پروگرام آنها عبارتست از تحصیل یک اطمینان تام و کامل از این حیث که ماموران حکومت، رژیم آزادانه مملکت را محترم و قوانین اساسیه را که چگونگی آن را معین می نماید، به طور صادقانه مرعی و مجرا دارد. آزادی خواهان کیفیت فوق العاده باریک وضعیت حاضره را تقدیر کرده، مصمم هستند که نظم و آسایش را به هر وسیله که باشد برقرار دارند. در دو کلمه پروگرام آزادیخواهان عبارت از این است برقرار داشتن آسایش عمومی و از قوه به فعل درآوردن رژیم مشروطیت.»

شیخ خیابانی در نطق ۱۱ اردیبهشت ۱۲۹۹ در جلسه علنی مجلس شورای ملی، گفت: «رژیم مشروطیت در ایران اجرا نشد، زیرا که ملت اجرای آن را از کفایت و قابلیت موهوم و ناموجود شما انتظار داشت و حقوق ملت پایمال شد که سپرده دست خیانت پیشه شما گردیده بود. با این سابقه های شرم آور و رسوایی بخشی که دارید هنوز در بلند کردن صدای منحوس خودتان اصرار دارید بر مداخلات ملت در کارها که مقام آن بلندتر از همه نوع رسمیت و قانونیت است، اعتراض می کنید. نمی خواهید بدانید کرورها تومان مال ملت در ظرف چند ماه به چه نحو حیف و میل شده و به چه ترتیب اسراف و تبذیر گردیده. می خواهید با این وضعیت، دموکراسی ایران فدایی هوا و هوس و قربان فطرت پست و نانجیب شما گردد. ای عجب! مگر چه هنگامه است، هنوز در فکر اغفال ملت هستید، هنوز معاودت یک دوره هرج و مرج و یک رژیم استبدادی و عدم مسئولیت را انتظار می کشید؟ آن سیو شکست و آن پیمان ریخت. تصمیمات ما لایتغیر است و مانند شمشیر آبدار برنده. آسوده باشید ما فریب نخواهیم خورد و تحمل ظلم هم نخواهیم کرد.»

او در نطق روز دوازدهم اردیبهشت ۱۲۹۹ هم گفت: «ما چرا قیام کردیم؟ اگر وضعیت مقدم بر قیام را از نظر مطالعه بگذرانیم حالت اسف آمیز مملکت و اختلاسات بی حد و حصر مالیه و اقدامات بی ناموسانه و جانپانه نظمیه [منظور خیابانی از این کلام، بردن زن یک مضمون به دزدی به نظمیه است که سر و صدای زیادی در تبریز به راه انداخت، چرا که تا آن روز یک زن به نظمیه نرفته بود] را در نظر بگیریم، لزوم فوری قیام را احساس می نماییم. در ظرف دوره اخیر یک سلسله عملیات نظامی در صفحات مختلفه ایالت آذربایجان شروع شد نه فقط منجر به افتضاح و رسوایی گشت، این عملیات که نه طرز شروع و جریان آنها از روی فکر بوده و نه توقف و تعطیل معین داشت، مالیه فقیر ملت را مستاصل ساخت، عده مامورین که با حقوق غیر متناسب از تهران می آمدند، بدون جهت و لزوم بر عده مامورین موجودی افزوده میشد.»

شیخ خیابانی افزود: «یک هنگامه غارتگری که مشهورترین اقوام و دسته های غارتگر نیز در تولید مثل آن عاجز بودند در مملکت برپا شد. این قیام خواست بر یک چنین دوره عدم مسئولیت خاتمه دهد، دست خائنین و دزدان و راهزنان را از مالیه مملکت دور کند، مقصرین را تنبیه و مجازات کند. آری این قیام عرصه را به خائنین تنگ خواهد کرد. دزدانی که از تبریز رانده می شوند نباید در تهران صدرنشین امانت بشوند، جانیها که از مرکز آذربایجان فرار میکنند نباید زمام حکومت ایالات و ولایات دیگر را در دست بگیرند زیرا که تمام خاک ایران مقدس و مجموع کل دموکراسی ایران صاحب حقوق است.»

او در نطق ۱۳ خرداد ۱۲۹۹ مجلس شورای ملی نیز گفت: «هنوز رژیم ایران برما معلوم نیست. حکومت ایران مستبد نیست، مشروطه هم نیست، جمهوری هم که نیست. ملت هرگز از امور حکومتی خبری ندارد. پس اول باید رژیم این مملکت را معین کنیم، آذربایجان میخواهد با یک صدای واحد رژیم مملکت را تعیین و اعلام نماید عملیات و اقدامات ما ناشی از همین نظر است. از آنجایی که تا حال به ملت در ایران اهمیت نداده اند، ملت می خواهد یک حکومتی تاسیس نماید که اختیارات آن با استقلال در دست خود ملت باشد. رژیم این حکومت همان خواهد بود که زمان تقاضا نماید. قبل از استقرار و ثابت شدن این رژیم، تفوق آزادیخواهان غلط است. در سراسر مملکت ایران باید یک صدای واحد شنیده شود. یک رای واحد باید کلیه آزادیخواهان این مملکت را به یکدیگر مرتبط سازد. از همین لحاظ ما صدای مخالفین را که بلند شود محو و نابود خواهیم کرد. هر که به نام آزادی به این دستورالعملها ایرادی بگیرد ما قبول داریم. بگذارید ایرادی که به بلشویکها وارد میشود بر ما نیز وارد شود.»

### شیخ محمد کیست؟

محمد در سال ۱۲۵۹ در منطقه خامنه از توابع شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی به دنیا آمد. پدرش عبدالحمید، بازرگان

اهل خامنه و مادرش رقيه سلطان دختر آيت الله سيدجواد حسيني خامنه اي، پدر بزرگ آيت الله سيدعلی خامنه اي، رهبر انقلاب اسلامی ایران بود.

پدرش در مسیر رفت و برگشت به شبستر - خامنه - پتروفسک قفقاز، تجارت می کرد. محمد نیز پس از یاد گرفتن خواندن قرآن و آموختن سواد در مکتب خانه تبریز، در نوجوانی همراه خانواده به پتروفسک رفت و در تجارتخانه پدر مشغول کار شد. علاقه او به درس باعث شد مدتی بعد به تبریز برگردد و در حوزه علمیه طالبیه تبریز نزد اساتیدی چون حاج میرزا ابوالحسن آقا انگجی درس فقه و اصول بخواند و این دوره را تا دوره اجتهاد ادامه دهد. محمد جوان در کنار دروس مقدماتی و پیشرفته علوم حوزوی، خواندن کتابهای هیات، نجوم، حکمت، تاریخ، ادبیات و طبیعیات نزد اساتید مبرز زمانش را در دستور کار قرار داد. او همچنین در کنار آموختن علوم دینی و طبیعی، امام جماعت مسجد جامع تبریز و امام جماعت مسجد کریم خان تبریز هم شد. شیخ محمد دو بار ازدواج کرد که حاصل آنها چهار پسر و دو دختر به نام های محمود، حسن، هاشم، محمد، فاطمه و ربابه بود. همسر اول معروف به رقيه سلطان و همسر دوم خیرالنساء نیک پندار ملقب به خانم آغا، دخترعموی شیخ بود.

### شیخ سیاسی

ورود شیخ محمد خیابانی به عرصه سیاسی از دوران پادشاهی محمدعلی شاه قاجار آغاز شد. او پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی توسط نظامیان بریگارد قزاق روس به فرماندهی کلنل ولادیمیر لیاخوف که با فرمان محمدعلی شاه در دوم تیر ۱۲۸۷ انجام شد، به صورتی پیوسته به موضعگیریهای سیاسی پرداخت و بر خلاف میرزا ابراهیم آقا تبریزی، نماینده مردم تبریز در نخستین دوره مجلس شورای ملی و مؤسس انجمن مسلحانه غیرت که به دلیل تندخو بودن و دست به اسلحه بودن، در باغ امین الدوله تهران به دست قزاقهای محمدعلی شاه هدف گلوله قرار گرفت و از پا درآمد.

اسماعیل رائین، نویسنده کتاب سه جلدی فراموش خانه و فراماسونری در ایران درباره میرزا ابراهیم معتقد بود: «انجمن غیرت یکی از انجمن های فرعی فراماسونری در ایران بود. مدیریت این تشکیلات با حاج میرزا ابراهیم آقا وکیل افراطی تبریز بود. این شخص از اعضای لژ بیداری ایران به شمار می رفت.»

شیخ محمد به هنگام حمله مشروطه خواهان در فتح تهران در این فتح حضور داشت. در پی تشکیل دومین دوره مجلس شورای ملی با ۱۷ ماه تاخیر در تاریخ ۲۴ آبان ماه ۱۲۸۸ با انتخاب مردم تبریز به مجلس رفت. او در این مجلس نطقهای افشاگرانه و موضعگیریهای سیاسی متعددی علیه رژیم قاجار و ضعف آن در برابر قوای روس و انگلیس داشت و نقش برجسته و موثری در همراه کردن نمایندگان برای تصویب طرحهای مختلف بر علیه دولتهای قاجار داشت.

موثرترین و ماندگارترین موضع گیری شیخ محمد که سرآغاز قیام پنج ماهه او در بهار و تابستان سال ۱۲۹۹ شد، دو سال بعد از فتح تهران به دست مشروطه خواهان، در مجلس دوم در سال ۱۲۹۰ پی ریزی شد.

شکست ایران در دو جنگ طولانی مدت با روسیه در سالهای ۱۱۸۲ تا ۱۱۹۲ و ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶ شمسی در دوران سلطنت فتعلی شاه قاجار و از دست رفتن بخشهای وسیعی از خاک پهناور ایران در منطقه قفقاز، گرجستان، ترکمنستان و بخش شرقی ترکیه امروزی موجب اولتیماتوم پادشاهی روسیه به دولت قاجار برای تخلیه هر چه سریعتر بخشهایی که جسته و گریخته در اختیار دولت ایران بود به خصوص تخلیه منطقه قفقاز، موجب شد شیخ محمد خیابانی در محکومیت این اقدام دولت تزاری روسیه در مجلس دوم شورای ملی در حدود یک ساعت به تندی نطق کند.

او در مجلس دوم شورای ملی با نمایندگان حزب دموکرات ایران ائتلاف کرد و در آستانه قیام پنج ماهه اش بارها و بارها دموکرات ها را نیروهای پیش آهنگ ترقی و تجدد در دوره ۱۵ ساله پس از نهضت مشروطیت دانست.

شیخ خیابانی پس از انقلاب ۱۹۱۷ (۱۲۹۶ شمسی) روسیه و سرنگونی حکومت تزارها در روسیه، روی کار آمدن اتحاد جماهیر شوروی در این کشور، تاثیر دوره جدید سیاسی روسیه بر ایران و باز شدن فضای سیاسی برای فعالیت مشروطه خواهان، روزنامه «تجدد» ارگان حزب دموکرات را در فروردین سال ۱۲۹۶ منتشر کرد و از اواخر مرداد ۱۲۹۶ لیدر و رهبر معنوی حزب دموکرات ایران شد.

پس از بی اعتنائی مشیرالدوله، دومین صدراعظم احمدشاه قاجار به اخطارها و هشدارهای شیخ خیابانی و قبول اولتیماتوم روسیه توسط مشیرالدوله و تعطیلی چند ماهه دوره دوم مجلس شورای ملی به دست دولت مشیرالدوله، شیخ محمد بار دیگر سلسله سخنرانی ها و انتقادات تندی را علیه دولت قاجار ایراد کرد که این سخنرانیها موجب ایجاد جو همراهی نمایندگان مخالف دولت و همفکر با شیخ شد که البته این جو با موج دستگیری نمایندگان مخالف توسط عوامل صدراعظم و فرار شیخ به قفقاز پایان یافت.

شیخ محمد چند ماه بعد از این غائله به تبریز برگشت اما اشغال تبریز توسط روس ها مانع فعالیت سیاسی او شد و شیخ نیز سراغ تجارت پدرش در تبریز رفت و مشغول کسب و کار شد.

### علت قیام شیخ

در پی شکستهای سنگین فتحعلی شاه از روسها و امضای قراردادهای ننگین و غیرقابل جبران گلستان و ترکمن چای و ترس نوادگان او از غضب دوباره روسها و ساقط شدن حکومتهايشان به دست این پادشاهی موجب امضای قراردادهای علیه مردم و مشروطه خواهان در دوره سلطنت احمدشاه از یک طرف و امضای قرارداد ۱۹۱۹ بین میرزا حسن خان وثوق الدوله صدراعظم احمدشاه قاجار با داری، تاجر سرشناس بریتانیایی و آغاز استخراج نفت و گاز ایران از مسجد سلیمان در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۲۸۷ از مهمترین دلایل شکل گیری قیام شیخ محمد خیابانی در ۱۷ فروردین ۱۲۹۹ بود.

سه روز قبل از آغاز قیام شیخ در ۱۷ فروردین ۱۲۹۹، هیات مدیره اجتماعات حزب دموکرات در بیانیه ای به دو زبان فارسی و

فرانسوی با اشاره به قیام آزادی خواهان تبریز در برابر رفتارهای ظالمانه و ضدمشروطه حکومت وقت، از برنامه های آزادی خواهان برای برقراری آسایش عمومی و به فعلیت در آوردن مشروطه سخن گفت.

پس از ورود شیخ محمد خیابانی و پنج تن از همفکرانش به عنوان نماینده به دومین دوره مجلس شورای ملی، مشیرالدوله دومین صدراعظم احمدشاه او را مانع رسیدن به اهدافش دید به همین دلیل با خدعه و نیرنگ تصمیم به حذف شیخ گرفت. فرستاده ای را نزد شیخ برای مذاکره و قانع کردن فرستاد اما با بی ثمر دیدن مذاکرات، تصمیم به حذف فیزیکی او گرفت به همین دلیل گروهی از نظامیان تعلیم دیده را راهی تبریز کرد اما شیخ خیابانی به سرعت متوجه خدعه صدراعظم شد و بر ضد دولت قیام کرد و ادارات دولتی شهر را در دو روز تصرف کرد.

مشیرالدوله برای شکست قیام، مهدی قلی خان هدایت معروف به مخبرالسلطنه که چهره ای موجه و ملی و از وزرای کابینه اش بود را به سمت والی تبریز منصوب کرد تا قیام را فیصله دهد. وی نیز مدتی سعی کرد از طریق صحبت با دوستان خیابانی، شیخ را از ادامه نهضت باز دارد اما موفق نشد. وقتی مخبرالسلطنه نتوانست از راه مذاکره شیخ را به پایان قیام قانع کند، با رییس قزاقخانه تبریز که یک کلنل روس بود، تبنی کرد و نقشه سرنگونی قیام تبریز را ریخت.

#### قتل شیخ

خیابانی انتظار درگیری با مخبرالسلطنه که از مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ (۱۲۹۸ شمسی) بود را نداشت و اصلاً گمان نمی کرد مخبرالسلطنه علیه او اسلحه بکشد. اما صدراعظم سرگرم تدارک نیرو برای سرنگونی قیام شیخ بود. قوای قزاق به دستور کلنل روسی به نیروهای قیام حمله کرده یا خلع سلاح کردند و یا به شهادت رساندند و ادارات تبریز را از حضور نیروهای قیام، پاک کردند.

آنان به خانه شیخ هجوم بردند اما شیخ از راه پشت بام به خانه شیخ حسنعلی میانجی، همسایه اش فرار کرد. قزاق ها فردای فرار، مخفی گاه شیخ را پیدا کردند و سردسته آنها اسماعیل قزاق در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۲۹۹ شمسی با شلیک چند گلوله شیخ را به شهادت رساند و پیکر او را به مقر فرماندهی مخبرالسلطنه منتقل کرد و بدون تشریفات در قبرستان امامزاده سید حمزه تبریز دفن کرد.

اما خانواده شیخ چند ماه بعد در مهاجرت به تهران پیکر او را از قبرستان امام زاده سید حمزه تبریز با خود به باغ طوطی ری بردند و در صحن حرم عبدالعظیم حسنی در جوار مزار ستارخان، دیگر سردار ملی تبریز که سال ۱۲۹۵ به دست مزدوران احمدشاه قاجار به شهادت رسیده بود، به خاک سپردند.

یادش گرامی و راهش پر رهرو.

منابع:

روزنامه تجدد، ۴۶، ۲۵ رجب ۱۳۳۸، ص ۲

تجدد، سال ۱، ش ۳۵، ۱۰ ذیقعد ۱۳۳۵، ص ۱-۲

شیخ محمد خیابانی، بی تا: ۱۱، ۲۵، ۲۶، ۱۰۰ و ۲۰۵

محمد خیابانی، نطق های شیخ محمد خیابانی، ص ۸۳، ۸۸، ۹۳

مجلس، سال ۵، ش ۶۷-۶۸، ۴ ربیع الاول ۱۳۲۹، ص ۳؛ تقی زاده، زندگی طوفانی، ص ۶۴۹

کسروی، قیام شیخ محمد خیابانی، ص ۱۰۲-۱۰۵؛ صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ص ۱۰۵

بادامچی، شیخ محمد خیابانی، در شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، ص ۲۳، آذری، قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، ص ۱۰، ۲۴ و ۹۱